

## تبیین موضع اصلاح طلبی در تایید دموکراسی و در مخالفت با فرمالیسم مرزهای شفاف اصلاح طلبی

عماد بهاور - روزنامه شرق ۸۵/۵/۲۶

اکنون که گروه‌هایی از میان اصلاح‌طلبان شامل راست‌های میانه رو و چپ‌های سنتی خود را لیبرال دموکرات و سوسیال دموکرات خوانده‌اند، بیش از پیش آشکار است که صفت دموکرات بودن می‌تواند وجه اشتراکی برای اصلاح‌طلبان باشد، حتی اگر هیچ‌یک از این گروه‌ها عضو جبهه دموکراسی خواهی نباشند. این واقعه بیش از هرچیز به ما کمک می‌کند تا دریابیم مهمترین مشخصه اصلاح‌طلبی «دموکرات بودن» آن است. اینکه آیا واقعا همه اصلاح‌طلبان تاکنون به ملزومات دموکراسی پایبند بوده‌اند یا خیر بحث دیگری است. از اصلاح‌طلبان تا اصلاح‌طلبی فاصله است، همچنانکه در طول تاریخ همواره عقاید از صاحبانشان فاصله گرفته‌اند. بیشتر گروه‌هایی که خود را «اسلامی» می‌خوانند بیشتر «اسلامگرا» یا «اسلامیست» هستند تا «مسلمان». در مورد سوسیالیست‌ها و کمونیست‌ها نیز شاهد تاریخ به همین گونه روایت کرده‌است. با این حال روند تحول نیروهای اصلاح‌طلب به لطف جبر روزگار، افزایش آگاهی‌های عمومی و شرایط جهانی تا حدی به سمت اصلاح‌طلبی اصیل پیش رفته‌است. این بدان معنی است که پایبندی ایشان به دموکراسی در طی سال‌های اخیر به طور نسبی بیشتر شده‌است.

### تمایز اصلاح‌طلبان و اصلاح‌طلبی

اگر قصد تمایزگذاری میان اصلاح‌طلبان و اصلاح‌طلبی در میان باشد بدین جهت خواهد بود که اولاً مشی اصلاح‌طلبانه را مترادف با رفتار اصلاح‌طلبان ندانیم و ثانياً با تبیین مفاهیم نظری اصلاح‌طلبی اصیل، از یک سو مرزبندی آن را با محافظه‌کاری و از سوی دیگر با دموکرات‌های رادیکال آشکار نماییم. بی‌شک چنین تمایزگذاری میان رفتار اصلاح‌طلبان و مشی اصلاح‌طلبی یک «تمایز مثبت» خواهد بود؛ به این معنی که با هدف بررسی پیشرفت اصلاح‌طلبان به سمت استانداردهای دموکراتیک صورت می‌گیرد و تاحدی بر توسعه رفتار دموکراتیک و مدنی میان این گروه‌ها تاکید می‌کند. پس این تمایزگذاری با هدف ایجاد شکاف میان اصلاح‌طلبان به معنای تایید یکی و تکفیر دیگری نیست.

در کنار این، یک هدف جانبی نیز وجود دارد که شاید به همان اندازه دارای اهمیت باشد و آن تمایزگذاری میان «مخالفان اصلاح‌طلبی» و «مخالفان اصلاح‌طلبان» است. اینگونه می‌توان آسان‌تر به تحلیل و نقد رفتار و ذهنیت رادیکال‌ها و مدافعین «انقلاب آرام» پرداخت. بسیاری از کسانی که در مخالفت با اصلاح‌طلبان به نقد عملکرد آنان در دولت و مجلس می‌پردازند پیش‌تر و حتی پیش از به قدرت رسیدن اصلاح‌طلبان در دوم خرداد ۷۶، مخالف «اصلاح‌طلبی» بوده‌اند؛ آنان اصلاح‌طلبان را به عنوان رقیب سیاسی خود در نظر می‌گیرند و طبیعتاً انتقاداتشان نیز «نقد متعهدانه جهت اصلاح» نیست و بیشتر به دنبال تخریب رقیبند. با تمایزگذاری میان این دسته از افراد و افرادی که مشی اصلاح‌طلبی را قبول دارند اما با رفتار و عملکرد سالیان اخیر اصلاح‌طلبان مخالفند، می‌توان آسان‌تر به جریان‌شناسی نیروهای سیاسی و تحلیل مواضع آنان پرداخت.

برای این کار به شاخصه‌های تئوریک برای تمایزگذاری نیاز است. حداقل دو شاخصه مهم در بعد ذهنی را می‌توان برای این کار تشخیص داد که به کمک آن‌ها شفاف‌سازی مرزهای میان اصلاح‌طلبان و محافظه‌کاران و همچنین اصلاح‌طلبان و دموکرات‌های رادیکال میسر می‌شود. این دو شاخصه یکی میزان «اعتقاد به دموکراسی» و دیگری میزان «اعتقاد به فرم» در تئوری ذهنی ایشان است.

## اصلاح طلبی و دموکراسی خواهی

اصلاح طلبی در دفاع از دموکراسی و آزادی های سیاسی و اجتماعی معنا می یابد. این لزوما بحث حقوق بشر را نیز در کنار خود خواهد داشت. اصلاح طلبی دقیقا و به معنای تمام کلمه یک واژه سیاسی است. جایگزینی و یا خلط آن با اصلاحات اقتصادی یک مغالطه عمدی در جهت تضعیف دموکراسی خواهد بود. این بحث که اصلاحات سیاسی به اصلاحات اقتصادی منجر می شود یا بالعکس، باعث نمی شود معنا و مرزهای هر یک از این دو مخدوش شود. آنچه در ایران به عنوان جنبش اصلاح طلبی از آن یاد می شود اشاره به اصلاح طلبی سیاسی به معنای عام و دموکراسی خواهی به معنای خاص دارد. حال این دموکراسی خواهی می تواند با تاکتیک هایی نظیر «تقویت پارلمانتاریسم»، «تقویت حاکمیت قانون»، «تقویت نهادهای اجتماعی» و یا هر تاکتیک دیگری همراه باشد. در سال های اخیر بسیاری از محافظه کاران به شدت سعی کردند با تعبیر اقتصادی از اصلاح طلبی خود را به نوعی اصلاح طلب بنامند. این همان اصلاح طلبی بدون دموکراسی خواهی است. ابداع واژگان جدیدی مانند «اصولگرای اصلاح طلب» و یا «اصلاح طلب اصولگرا» با هدف تبیین اصلاح طلبی بدون دموکراسی خواهی و توسعه سیاسی صورت می گیرد.

در چنین شرایطی هنگامی که در انتها علیه جناح اصلاح طلبان و در همسایگی محافظه کاران، دو حزب شناخته شده که پیشتر از این دستی در دستان محافظه کاران داشته اند، خود را دموکرات می خوانند، مرز مبهم و غیرشفاف میان این گروه ها با محافظه کاران به تدریج به دیوارحالی تبدیل می شود که لازمه هرگونه شفافیت سیاسی در فضای دموکراتیک است. با این وجود تنها دموکرات خواندن خود نمی تواند به تنهایی نشان دهنده پایبندی به دموکراسی باشد. اگرچه دموکرات ها را با اعتقاد به اصول دوقلوی «پذیرش رای اکثریت و دفاع از حقوق اقلیت» می شناسند اما به نظر می رسد که احزاب ایرانی برای اثبات دموکرات بودن خود در عمل، به طور خاص می باید حداقل دو اقدام قطعی را در دستور کار خود قرار داد: ۱- دفاع از حق مخالف (اپوزیسیون قانونی) به صورت رسمی (ونه غیر رسمی) و ۲- دفاع از حقوق زندانیان سیاسی به عنوان دفاع خاص (و نه دفاع عام).

تا هنگامی که رابطه اصلاح طلبان درون حاکمیت با اپوزیسیون قانونی خارج از حاکمیت از یک رابطه غیررسمی و سمبلیک فراتر نرود، نمی توان رفتار ایشان را به عنوان یک فاکت دموکراتیک در مطالعات به حساب آورد. شرکت در مراسم عروسی و عزا و یا هر میهمانی غیررسمی دیگر در کنار اپوزیسیون تنها یک «رفع تکلیف» یا «تعارف سیاسی» محسوب می شود تا عملی دموکراتیک در دفاع از حق حیات مخالف. برخی از اصلاح طلبان درون حاکمیت قصد دارند بدون پرداخت هیچ هزینه ای در راه گسترش دموکراسی، تنها از راه های سمبلیک به همان اعتبار و نتیجه سیاسی دست یابند. نمونه دیگر دفاع برخی از این گروه ها از زندانیان سیاسی است. بارها در ادبیات ایشان مشاهده شده که گفته اند از حقوق تمام زندانیان و یا شهروندان دفاع می کنیم و سپس نامی هم از یک زندانی سیاسی برده اند. درحقیقت یک زندانی سیاسی را نه به طور خاص که به صورت عام در کنار سایر زندانیان قرار داده و خواهان حق وی از دادرسی سالم شده اند. این یعنی دفاع از آن زندانی بدون به رسمیت شناختن وی به عنوان یک مخالف. اینگونه رفتار به ویژه در دوران اصلاحات بیشتر مشاهده می شد، اما به نظر می رسد که پس از اصلاحات در رفتار برخی از اصلاح طلبان درون حاکمیت نسبت به اپوزیسیون تغییراتی به وجود آمده است. حداقل آنکه در برخی از نشریات و روزنامه های رسمی و حزبی این گروه ها رسمیت بیشتری به برخی از گروه های مخالف داده می شود.

## اصلاح طلبی و مخالفت با فرمالیسم

شاخص دموکرات بودن همانطور که در بالا آمد می تواند مرزبندی گروه های اصلاح طلب سنتی را با محافظه کاران پررنگ تر سازد و ما را در تشخیص میزان پیشرفت ایشان به سمت استانداردهای دموکراتیک یاری رساند. اما شاخص

بسیار مهم دیگری که می تواند مرزبندی اصلاح طلبان را هم با محافظه کاران و هم با دموکرات های رادیکال مشخص سازد، اهمیت فرم در نظریات ایشان و یا به عبارتی میزان اعتقاد به فرمالیسم در بعد ذهنی است.

محافظه کاران و دموکرات های رادیکال هر دو در قید و بند فرمند. یعنی برای شکل و ظاهر یک نظام سیاسی و یا شکل قانون اساسی اصالت قائلند. هرگونه تغییری در محتوا یا عملکرد یک نظام سیاسی را منوط به تغییر فرم و شکل در آن می دانند. محافظه کاران و رادیکال ها اگر چه هر دو فرمالیست هستند اما طبیعتا رویکردشان به نظام سیاسی از دو موضع متفاوت و متضاد است. یکی فرم و شکل موجود را اصیل می داند و هرگونه تغییر در فرم نظام سیاسی و یا قانون اساسی را بر نمی تابد و دیگری همواره تنها راه حل معضلات سیاسی را از طریق طراحی فرم ایده آل و یا نوشتن قانون اساسی جدید می داند. در نتیجه هر دو گروه راه تغییر یا تثبیت محتوی و ماهیت نظام را در تغییر یا تثبیت فرم می یابند.

اصلاح طلبی اما شیوه ای ضدفرمالیستی است؛ نه اینکه برای فرم و ظاهر اهمیتی قائل نباشد، اما در «تئوری مبارزه سیاسی»، «مسئله» یا «محل منازعه» را جدال بر سر فرم نمی داند. تاکید اصلاح طلبان اصیل بیشتر بر روی محتوی و ماهیت دموکراتیک نظام ها است و تزریق چنین محتوایی را به نظام سیاسی امری تدریجی و گام به گام می دانند. از آنجا که روبرویی فرمالیست ها با یکدیگر همیشه خون بار است، بدیهی است که دموکرات های رادیکال (برعکس اصلاح طلبان) نمی توانند فرم دلخواه خود را به صورت مسالمت آمیز و یا تدریجی بر محافظه کاران تحمیل کنند، از این رو درگیر خشونت و البته خواستار تغییرات سریع می شوند.

مرزبندی میان اصلاح طلبان و دموکرات های رادیکال از این نقطه آغاز می شود که یکی در پی مشروط کردن فرم سیاسی کنونی به پذیرش قواعد و رفتار دموکراتیک و آزاد کردن ظرفیت های دموکراتیک قانون اساسی است و دیگری در پی طراحی فرمی جدید با عنوان جمهوری اصیل و یا شاید نظامی سوسیالیستی است. از همین نقطه نیز مشروطه خواهی با اصلاح طلبی یکی می شود. آن مشروطه خواهی که اصلاح طلبان از آن سخن می گویند درحقیقت یک فرم ثابت و همیشگی نیست. قالبی است که وضعیت نسبی و سیال دارد. حمایت خود از فرم کنونی را مشروط به محتوای نسبی (و رو به پیشرفت) دموکراتیک آن می کند و البته برای استقرار یک فرم ایده آل نیز درگیر خشونت و تغییرات سریع و پرهزینه نمی شود. این یعنی عدم ماجراجویی در طرح هرگونه فرم جدید و طغیان علیه هرگونه ذهنیت فرمالیستی؛ چه از نوع محافظه کارانه و چه از نوع رادیکال. نقش ایده آل ها و آرزوها بر صفحه سفید بسیار لذت بخش و هوس برانگیز است. این کار را تقریبا تمام جوانان سیاسی پرشور حداقل یک بار در عمر خود انجام داده اند. درواقع از عهده هرکسی بر می آید که نظامی جدید بر اساس ایده آل های ذهنی و تئوریک خود ترسیم نماید و سپس در قالب یک قهرمان اسطوره ای برای مردم قرائت کند.

اگر به دنبال شواهدی از مخالفت با فرمالیسم در طول تاریخ بگردیم شاید بتوان نمونه های زیادی از این دست یافت. اما نقدا می توان به دو نمونه از اصلاح طلبی اصیل اشاره کرد: یکی موضع مهندس بازرگان در سال ۵۷ و در اوج انقلاب بود که در پیشنهادی به امام خمینی خواستار حفظ قالب نظام سلطنتی به شرط محدود کردن اختیارات شاه و تفویض این اختیارات به نمایندگان واقعی مردم شد و دیگری مخالفت سید حسن مدرس با قالب جمهوری پیشنهادی رضاخان به دلیل ماهیت غیردموکراتیک آن بود. این دو مثال های کاملی از موضع گیری دو اصلاح طلب در مخالفت با فرمالیسم در تاریخ معاصر ایران است.

ایده نیمه پخته ای نیز در نقد آراء شریعتی به این موضوع اشاره دارد که وی نتوانست میان اعتقادات اصلاح طلبانه خود و فرمالیسم انقلابی تفکیک قایل شود و یا حداقل اولویت زمانی مشخصی ارائه نماید. او که از سویی سمبل فرهنگ سازی، خودشناسی و بازگشت به خویشتن بود و موفقیت انقلاب سیاسی را مشروط به وقوع انقلابی فرهنگی می

دانست، از سویی دیگر سمبل انقلابی تمام عیار شد که در فروریختن تمام مرزها، فرم‌ها و قالب‌ها لحظه‌ای درنگ نکرد و مهلتی برای فرهنگ‌سازی قایل نشد..

### نتیجه‌گیری

کسانی که از بیرون حاکمیت روند تحولات دموکراتیک در ایران را رصد می‌کنند، معیارها و شاخص‌های عینی و قابل اندازه‌گیری برای تعیین درصد پیشرفت اصلاح‌طلبان به سوی استانداردهای دموکراتیک و اصلاح‌طلبی اصیل دارند. مثلاً می‌توانند تشخیص دهند که دفاع از یک زندانی سیاسی و یا از یک حزب مخالف، یک دفاع دموکراتیک بوده است و یا یک تبلیغات انتخاباتی. این تشخیص‌ها به تدریج بر روی هم انباشته شده و صفحات تاریخ را شکل می‌دهند. برخی از اصلاح‌طلبان داخل حاکمیت مسیری طولانی از محافظه‌کاری تا رادیکالیسم را به سرعت و یک شبه طی کردند بدون آنکه توفقی در میانه راه و در ایستگاه اصلاح‌طلبی داشته باشند. این لزوماً به معنای غنی شدن از دموکراسی نیست و شاید در بند فرمی دیگر با قالبی سخت افتاده باشند که تضمینی برای دموکراسی در عمل ندارد. درگیری ایشان بر سر فرم با محافظه‌کاران حتی شاید کار را به جاهای باریک و بسیار پرهزینه و بر ضد منافع ملی بکشاند. برخی دیگر از اصلاح‌طلبان با حرکتی بسیار آرام و تدریجی از ایستگاه محافظه‌کاری حرکت کرده و در مسیری به سمت اصلاح‌طلبی اصیل گام بر می‌دارند و شاید به مقصد برسند و شاید نیز از میانه راه بازگردند. اصلاح‌طلبان اصیل اما جایگاهی مطمئن با مرزهایی شفاف دارند. در قید فرمی خاص نیستند و نظریه و تاکتیک‌هایشان در پی تحمیل روح دموکراسی در فرم کنونی است. ایشان مشروطه‌خواهانی با قدمت صد ساله اند که با ماجراجویی‌های خود هزینه‌های گزاف را بر کشور تحمیل نخواهند کرد.